

مهرپژداری

حمید جباری راد

مدارس نخستین در آموزش هنر

می داد. این روند تا میانه های سده ی گذشته نیز ادامه داشت. با آغاز به کار مدارسسی نظیر: دارالفنون، مجمع الصنایع، هنرستان نقاشی و مدارس بعدی، به مرور روش سنتی آموزش استاد-شاگردی پایان گرفت و به صورت آکادمیک و علمی و غالباً بر پایه ی شیوه های غربی، بنیان آموزش نوین هنری در ایران پی ریزی شد. در این مقاله به تاریخچه ی برپایی و فعالیت های نخستین مدارس آموزش هنری در ایران پرداخته شده است.

پیشینه و سیر تاریخی آموزش هنر در ایران، از ابتدا تا پیش از تأسیس مدرسه ی دارالفنون، همواره شیوه ی آموزش استاد-شاگردی یا مراد-مریدی سایه افکنده است و هنرجویان و شاگردان در کارگاه و هنرکده ی سنتی استاد و مراد تعلیم می گرفتند و استاد اصول و در مرتبه ی بالاتر رموز هنری را سینه به سینه به شاگردان انتقال

رشد آموزش هنر
۴۰
دوره پنجم / شماره دو
زمستان ۱۳۸۶

نمایی از داخل موزه هنرهای ملی (مدرسه صنایع قدیمه)

مدرسه‌ی دارالفنون

پیش از برپایی مدرسه‌ی دارالفنون در عهد ناصرالدین شاه قاجار، در سال ۱۲۳۵ شمسی دو کارشناس فرانسوی به نام‌های بوسکه و رویون برای آموزش دسته‌ی موزیک نظام، گروهی تشکیل دادند. این نخستین گام در مسیر آموزش هنر در ایران بود که رفته رفته صورت علمی و آکادمیک به خود گرفت.

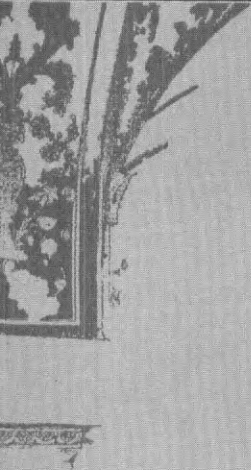
بنیان‌گذار مدرسه‌ی دارالفنون، میرزاتقی خان امیرکبیر (۱۲۲۳ق-کاشان، ۱۲۶۸ق)، وزیر با تدبیر ناصرالدین شاه بود. با

تأسیس این مدرسه در ساختار آموزشی کشور تحولی پدید آمد و برای اولین بار مباحث و یافته‌های جدید علمی، توسط استادان اروپایی به جوانان علاقه‌مند آموزش داده شد.

«شعبه‌های تحصیلی این مدرسه عبارت بود از: پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی و جراحی، داروسازی و کان‌شناسی. در تمام شعب، زبان فرانسه و علوم طبیعی و ریاضی و تاریخ و جغرافیا تدریس می‌شد و بعدها زبان انگلیسی و روسی و نقاشی و موسیقی را در برنامه وارد کردند. به این ترتیب، مدرسه شامل دروسی از متوسطه و موادی از تعلیمات

عالیه و فنی بود... در تاریخ طولانی مملکت، این نخستین بار است که دولت مستقیماً اقدام به تأسیس آموزشگاه نموده و تمام مخارج تأسیس و نگهداری و اداره‌ی آن را برعهده گرفته و اولین دفعه است که دولت برای خود مسئولیتی در امر تعلیم و تربیت قائل شده و به همین جهت است که سال ۱۲۶۸ - تأسیس دارالفنون - را مبدأ تحول و دوره‌ی جدید در فرهنگ باید شمرد» [دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۲۷۱].

معماری مدرسه نیز نقطه‌ی عطفی در معماری شهر تهران براساس گونه‌ای از معماری فرنگی در تهران محسوب می‌شد.



این مدرسه توسط میرزافزا مهندس باشی طراحی و توسط محمدتقی خان معمار باشی اجرا شد.

در سال ۱۲۴۹

شمسی، مدرسه‌ی

«موزیک نظام» به عنوان

یکی از شعبه‌های

دارالفنون کار خود را آغاز

کرد. دوره‌ی این شعبه

شش سال بود و هشت

کلاس داشت. شاگردان

پس از طی دوره، در

کلاس پنجم با درجه‌ی

«افسری جزء» در قسمت

موزیک ارتش وارد خدمت

می شدند. از مدیران

دوره‌های گوناگون

مدرسه‌ی موزیک به آلفرد

ژان باتیست لومر،

غلامرضاخان معزز و

نصراله خان مین باشیان

می توان اشاره کرد.

در شعبه‌ی نقاشی

مدرسه‌ی دارالفنون،

مسئولیت آموزش برعهده‌ی

مسیوکنستان و مزین الدوله

بود. مسیوکنستان، نقاش فرانسوی، با تحصیل کرده‌های ایرانی

مقیم فرانسه آشنایی داشت. علی اکبر مزین الدوله، نقاش

عهدناصری، پس از فراگیری نقاشی در پاریس و بازگشت به

ایران، مدت ۵۰ سال معلم زبان فرانسه، نقاشی و موسیقی

مدرسه‌ی دارالفنون بود. از جمله شاگردان برجسته‌ی وی

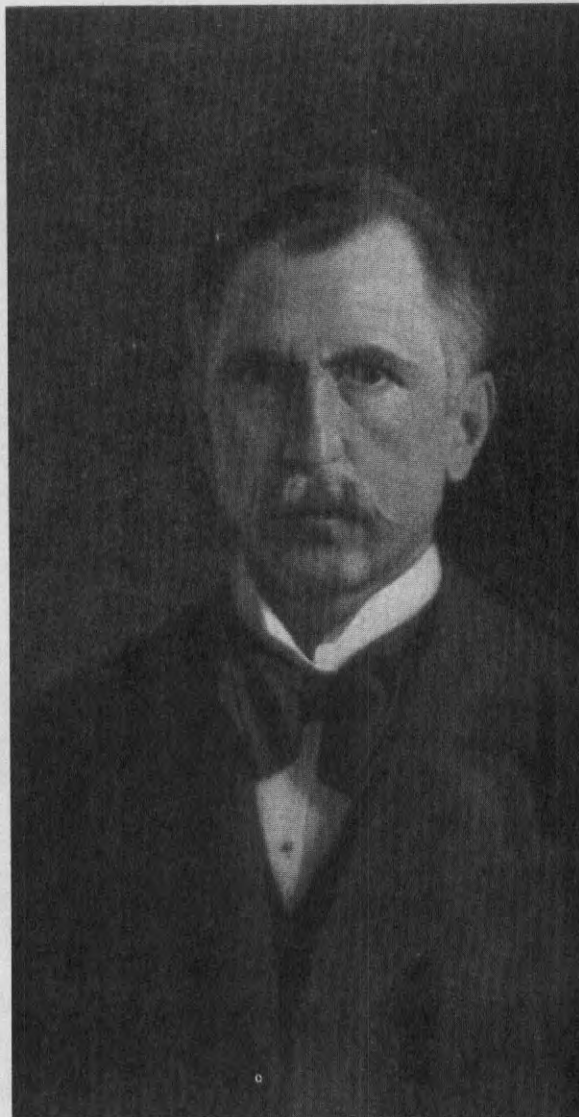
کمال الملک است که مبانی نقاشی را از مزین الدوله آموخت. تدریس هنرهای موسیقی و نقاشی برای نخستین بار در مدرسه‌ی دارالفنون براساس اصول و شیوه‌های آکادمیک غربی و با مدرسانی تحت تعلیم مدارس هنری اروپا، نقطه‌ی آغازین تاریخ آموزش‌های هنری رسمی در ایران بود.

هنرستان نقاشی ایران

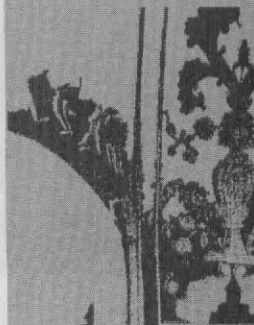
میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی، ملقب به «صنیع الملک» (کاشان، حدود ۱۲۲۹ ق، ۱۱۹۲ ش - حدود ۱۲۸۳ ق، ۱۲۴۵ ش) نقاش، تصویرگر، چاپگر و هنرمند برجسته‌ی عهدناصری، مؤسس نخستین هنرستان و پیشگام هنر گرافیک در ایران است. وی زیر نظر مهرعلی نقاشی آموخت و سپس به جمع نقاشان دربار پیوست.

در ۱۲۶۲ قمری برابر ۱۲۲۴ شمسی، به حمایت دربار رهسپار ایتالیا شد و در موزه‌های رم، فلورانس و واتیکان به رموز نقاشی اروپایی با نسخه‌برداری از آثار هنرمندان برجسته پرداخت. پس از چهار سال هنرآموزی و کسب تجربه، در سال ۱۲۶۶ قمری برابر ۱۲۲۵ شمسی در دومین سال سلطنت ناصرالدین شاه به ایران بازگشت. رهاورد پر بار این سفر، همراه آوردن وسایل چاپ سنگی (لیتوگرافی^۱)، وسایل متعدد برای آموزش نقاشی و باسمه‌های رنگی و تأثیرپذیری از روش هنرکده‌های اروپایی و شناخت آثار آنان بود که سبب راه‌اندازی مجمع الصنایع ناصری و سپس هنرستان نقاشی ایران شد.

با تأسیس مجمع الصنایع یا مجمع دارالصنایع ناصری توسط ابوالحسن غفاری در تهران، تعدادی از هنرمندان و صنعتگران، ضمن اشتغال به امور تخصصی خود با شاگردان کار می‌کردند و به آن‌ها آموزش می‌دادند. در سال ۱۲۶۹ قمری برابر ۱۲۳۱ شمسی، مصورسازی نسخه‌ی خطی داستان‌های «هزار و یک شب» در شش جلد و مشتمل بر ۱۱۳۴ صفحه تصویر به دستور ناصرالدین شاه به او و شاگردانش سپرده شد. کار مصورسازی، خوش‌نویسی، تذهیب و تجلید این کتاب مدت هفت سال به طول انجامید و در این مدت، ۳۴ هنرمند به تنظیم آن پرداختند.



پرونده کمال الملک در جوانی





مدرسه صنایع مستظرفه استاد کمال الملک و شاگردان

این اثر ارزشمند در کتابخانه‌ی کاخ گلستان محفوظ است. چندی بعد در سال ۱۲۷۷ قمری برابر ۱۲۳۹ شمسی از سوی ناصرالدین شاه به او لقب «صنیع الملک» اعطا شد. و سپس در سال ۱۲۷۸ قمری برابر ۱۲۴۰ شمسی اجازه‌ی تأسیس مدرسه‌ی دولتی نقاشی و چاپ را دریافت داشت.

در شماره‌ی ۵۱۸ مورخه‌ی ۱۲۷۸ قمری روزنامه‌ی «دولت علیه ایران»، خبر تأسیس نخستین هنرستان نقاشی ایران به شیوه‌ی امروزی برای تربیت و آموزش هنرجویان نوجوان درج شده است [حسینی، ۱۳۸۰: ۲۹]. صنایع الملک در این مدرسه به انتشار تجربیات خویش که در اروپا کسب کرده بود و هم چنین دانش نگارگری پرداخت. او در اواخر عمر علاوه بر تدریس، مباشرت کلیه‌ی امور چاپخانه‌های ایران را برعهده داشت. بسیاری از شاگردان وی و نقاشان بعدی، شیوه‌ی او را در چهره‌نگاری واقع‌گرایانه ادامه دادند [پاکباز، ۱۳۷۹: ۳].

مدرسه‌ی صنایع مستظرفه

پس از بازگشت محمد غفاری ملقب به «کمال الملک» (تهران، حدود ۱۲۲۶ ش - نیشابور، ۱۳۱۹ ش) از سفر مطالعاتی در اروپا و نخستین رویداد ثبت شده‌ی آموزش رسمی هنر و نقطه‌ی عطفی در تاریخ آموزش هنرهای تجسمی به مفهوم علمی در تاریخ معاصر ایران با تأسیس «مدرسه‌ی صنایع مستظرفه» در ۱۲۸۹ شمسی در باغ نگارستان تهران آغاز شد.

این مدرسه با جلب حمایت و تأیید دربار و دولت وقت قاجار و براساس ینش و مشی هنری کمال الملک، به شکل مدارس هنری نوین اروپا به ریاست وی شروع به فعالیت کرد.

«هدف کمال الملک از تأسیس مدرسه‌ی صنایع مستظرفه، تربیت هنرجویان به روش آکادمیک غربی بود. اگرچه این مدرسه هیچ‌گاه صورت یک آکادمی واقعی به خود نگرفت، راه پیشرفت هنرهای بصری را در ایران گشود. با تلاش کمال الملک در مدت ۱۵ سال سرپرستی مدرسه‌ی مزبور، شماری نقاش و مجسمه‌ساز برخوردار از توانایی‌های فنی پرورش یافتند: بیشتر اینان، بعداً در کار هنری و تدریس هدف و روش استاد را دنبال کردند» [همان، ص ۸۸۹].

اسماعیل آشتیانی از شاگردان کمال الملک معتقد بود: «بزرگ‌ترین خدمات صنعتی کمال الملک ایجاد مدرسه‌ی صنایع مستظرفه بود که پیش از وی ابوالحسن خان صنایع الملک، عموی وی، از اساتید بزرگ و نوابع بود، ولی در مدت زندگی هنری سبک تازه‌ای ایجاد نکرد و شاگردان در خوری تربیت نمود... [آشتیانی، ۱۳۴۲: ۱۸].

در این مدرسه، شاگردان کمال الملک همگی به رایگان تحصیل می‌کردند و مدرسه به‌عنوان یکی از مراکز فرهنگی، مورد توجه مردم و حتی بیگانگان و رجال سیاسی و درباری قرار داشت. دوره‌ی آموزشی مدرسه در سطح عادی چهار و عالی شش سال بود و فارغ‌التحصیلان از کمال الملک گواهی‌نامه

می گرفتند.

اما سرانجام کمال الملک در پی مداخلات وزرای معارف در امور مدرسه و بالا گرفتن کشمکش و اختلافات با آن‌ها و در اثر خستگی و فرسودگی ناشی از این اختلافات، از ریاست مدرسه استعفا داد و بالاخره در سال ۱۳۰۶ شمسی با کناره‌گیری او موافقت شد.

کمال الملک پس از کناره‌گیری، اسماعیل آشتیانی را به عنوان جانشینی شایسته معرفی و منصوب کرد. از جمله اقدامات و ابتکارات دوران ریاست وی، گرفتن رأی «شورای عالی فرهنگ و هنر» برای تبدیل مدرسه به «هنرستان عالی صنایع مستظرفه» و تدریس نگارگری، تذهیب، آناتومی، ریاضیات، تاریخ هنرهای زیبا، کادربندی و پرسپکتیو در هنرستان عالی بود. پس از چندی به جای آشتیانی، ریاست هنرستان به ابوالحسن صدیقی، دیگر شاگرد ممتاز کمال الملک واگذار شد [پاکباز، ۱۳۷۹: ۳۴۱].

تا این‌که به سبب بد اداره شدن هنرستان عالی، در سال ۱۳۰۹ شمسی آن را منحل کردند.

پس از انحلال هنرستان، همه‌ی شاگردانی که کمال الملک حدود ۲۰ سال زحمات تربیت آن‌ها را متحمل شده بود، متفرق شدند. ولی هنرستان با تمام مسائل و مشکلاتی که آن‌را به انحلال کشاند با پدید آمدن استادانی تأثیرگذار بر تاریخ هنرهای بصری معاصر، نقشی ویژه ایفا کرد.

هنرستان عالی موسیقی

در سال ۱۲۹۷ شمسی، کلاس موزیک مدرسه‌ی دارالفنون از آن جدا و به صورت مدرسه‌ای مستقل زیر نظر وزارت معارف درآمد و سازمان آن

گسترش یافت. این اولین مدرسه‌ی مستقل برای آموزش موسیقی کلاسیک غربی به روش علمی در ایران بود. در این مدرسه، به جز نظامیان که موزیک نظام فرا می‌گرفتند، شاگردان غیرنظامی هم مشغول فراگیری موسیقی کلاسیک شدند. بعدها در سال ۱۳۰۹ به دستور وزیر معارف وقت، شاگردان مدرسه‌ی موسیقی دولتی به آموزش سرود در چند دبستان تهران پرداختند.

طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳، مدرسه‌ی عالی موسیقی (۱۳۰۳)، مدرسه‌ی دولتی موزیک (۱۳۰۷)، مدرسه‌ی موسیقار (۱۳۱۳) و در نهایت هنرستان موسیقی (۱۳۱۴) تشکیل شدند. در سال ۱۳۱۴، برنامه‌ی درسی هنرستان به تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر رسید. در سال ۱۳۱۷، اداره‌ی به نام اداره‌ی موسیقی در وزارت فرهنگ تشکیل یافت و آموزش، نظارت، تألیف کتاب‌های موسیقی و اجرای کنسرت‌ها را برعهده گرفت و عملاً متولی اداره‌ی امور هنرستان‌های موسیقی شد. در این بین،

جمعی از استادان و هنرمندان مدرسه صنایع قدیمه

هنرستان موسیقی به «هنرستان عالی موسیقی» تغییر نام یافت و مدت آموزش آن از دو سال به چهار سال افزایش یافت. در سال ۱۳۲۶، هنگامی که اداره‌ی هنرهای زیبا به تشکیلات وزارت فرهنگ افزوده شد، اداره‌ی هنرستان موسیقی - که در این زمان علاوه بر موسیقی به آموزش هنرهای کاربردی نیز می‌پرداخت - به این اداره واگذار گردید [پاکباز، ۱۳۸۲: ۲].

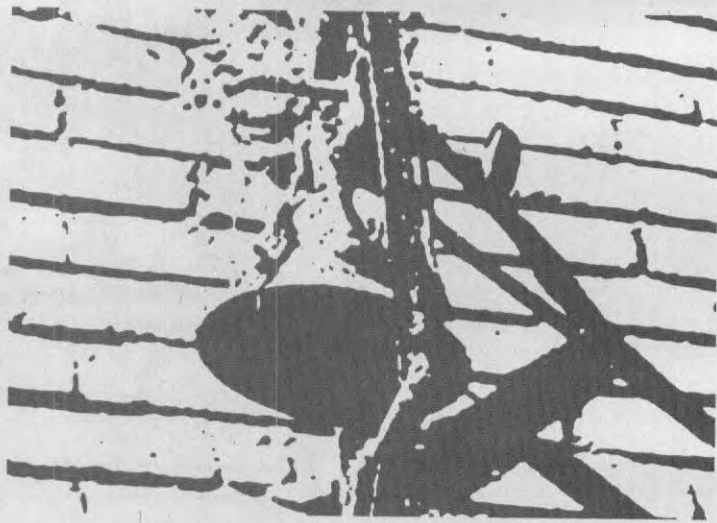
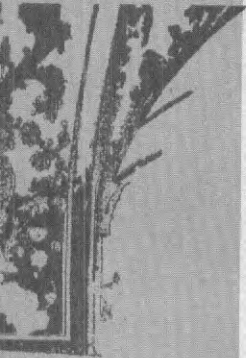
مدرسه‌ی صنایع قدیمه

بعد از برپایی مدرسه‌ی صنایع مستظرفه زیر نظر کمال الملک در سال ۱۲۸۹ شمسی، شیوه‌های نوین اروپایی به عنوان هنر از راه رسید و مورد توجه و علاقه‌ی نقاشان قرار گرفت. برای این‌که شیوه‌های هنرهای سنتی ایران به فراموشی و نابودی کشانده نشود، علاوه بر مدرسه‌ی مزبور، در سال ۱۳۰۹ شمسی به اهتمام استاد حسین طاهرزاده‌ی بهزاد (تبریز، ۱۲۶۶ - استانبول، ۱۳۴۱) هنرستانی هم برای ترویج هنرهای سنتی ایرانی و صنایع مستظرفه‌ی ملی تأسیس





عیسی بهادری ۱۲۸۴-۱۳۶۵



شد که «مدرسه‌ی صنایع قدیمه» نیز خوانده می‌شد.

در مدرسه‌ی صنایع قدیمه، طی نیم قرن فعالیت گسترده و با همت و تلاش استادان هنرهای سنتی، به ویژه استاد طاهرزاده بهزاد، در هنرهایی چون: نگارگری، تذهیب و تشعیر، نقش‌قالی، کاشی‌کاری، سفالگری، خاتم‌سازی، زری بافی، قلم‌زنی و میناکاری تحولی تازه پدید آمد و یادآور دوران گذشته‌های دور و درخشان این صنایع بدیع هنری شدند. استاد حسین طاهرزاده بهزاد در تبریز متولد شد و علی‌رغم مخالفت‌های شدید خانوادگی، به نگارگری و سایر هنرها پرداخت. او تا سال ۱۳۴۱ شمسی، یعنی ۳۲ سال تمام، سرپرستی این هنرستان را برعهده داشت [مهرپویا، ۱۳۶۵: ۲۹]. در مورد تاریخچه‌ی این مدرسه باید اشاره کرد که در سال ۱۳۱۱ شمسی، نام مدرسه به «هنرستان هنرهای زیبای کشور» تغییر کرد.

فارغ‌التحصیلی، تعطیل شد. در همان سال، «اداره‌ی هنرهای زیبای کشور» توسط «وزارت معارف» گشایش یافت. سپس در سال ۱۳۴۱ با بازنشستگی استاد طاهرزاده بهزاد، اولین سرپرست این مجموعه‌ی هنری، استاد علی کریمی از شاگردان برجسته وی به عنوان سرپرست جدید اداره‌ی هنرهای زیبا برگزیده شد.

در سال ۱۳۴۳، اداره‌ی هنرهای زیبای کشور زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر قرار گرفت و در سال ۱۳۴۶، «اداره‌ی کل آفرینش هنری و ادبی»، به عنوان یکی از واحدهای تابعه‌ی این وزارت‌خانه گشایش یافت. اداره‌ی کارگاه‌های هنری زیر نظر اداره‌ی کل آفرینش هنری و ادبی بود. در سال ۱۳۵۶ این اداره زیر عنوان «دفتر پژوهش و آفرینش» تغییر سازمان داد، ولی مجموعه‌ی کارگاه‌ها به همان صورت نگه‌داری شدند.

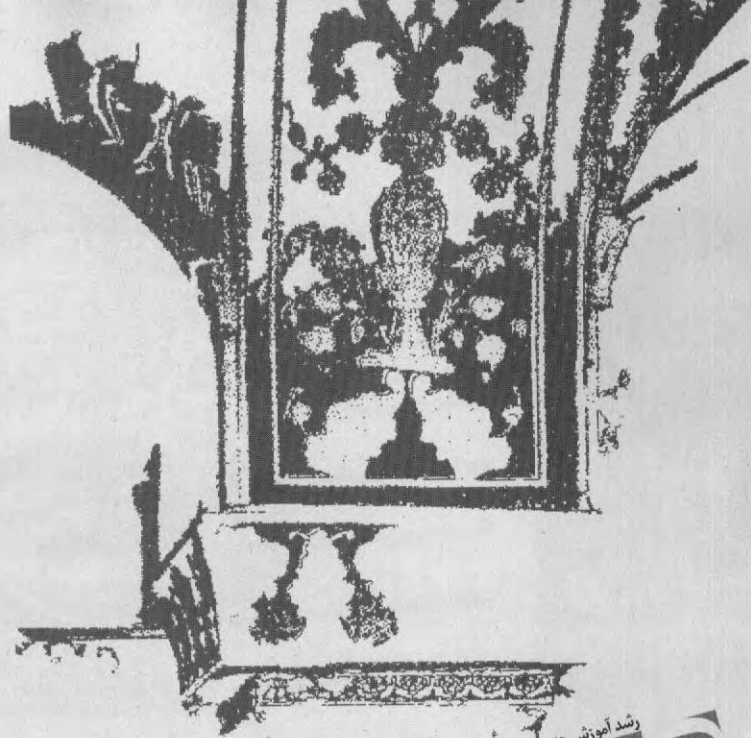
هنرستان هنرپیشگی ایوان

در سال ۱۳۵۸ شمسی، اداره‌ی کارگاه‌های هنری زیر پوشش اداره‌ی کل هنرهای سنتی قرار گرفت و یکی از واحدهای وزارت فرهنگ و آموزش عالی شد. در سال ۱۳۶۱ شمسی، اداره‌ی کل هنرهای سنتی به عنوان یکی از واحدهای تحت پوشش معاونت حفظ و احیای میراث فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش

در سال ۱۳۱۹ شمسی، دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران تأسیس شد و «وزارت پیشه و هنر»، تدریس هنرهای سنتی ایرانی را به «هنرستان هنرهای ملی» واگذار کرد. در سال ۱۳۲۵ شمسی، نام هنرستان به «اداره‌ی هنرهای ملی» تغییر یافت و مجدداً در سال ۱۳۲۶ شمسی، اداره‌ی هنرهای ملی بدون



رشد آموزش هنر
۴۵
دوره پنجم اشماره دو
زمستان ۱۳۸۶



رشد آموزش هنر
۴۶
دوره پنجم شماره دو
زمستان ۱۳۸۶

تأسیس کرد. سپس با همکاری سایر فعالان تئاتری اروپا رفته، و دعوت از همه‌ی فعالان تئاتر و تدوین برنامه‌ی درسی، به تقلید از برنامه‌ی درسی کنسرواتوار هنر دراماتیک پاریس، کار خود را در بخشی از پارک علاءالدوله و با تأسیس هنرستان هنرپیشگی آغاز کرد. گروهی از هنرمندان و فعالان تئاتری، از جمله عبدالحسین نوشین، علی دریاییگی و معزدیوان فکری، با این هنرستان همکاری داشتند. مدرسه در اردیبهشت ۱۳۱۸ رسماً افتتاح شد و برای اولین بار در تاریخ تئاتر ایران، مدرسه‌ای رسمی با برنامه‌ی صحیح که مواد علمی و عملی آن منطبق بر پروگرام کنسرواتوار پاریس بود، به وجود آمد [نژد، ۱۳۵۷: ۱۳۶۴].

به نوشته‌ی مصطفی اسکویی، از جمله مدرسان هنرستان «علی نصر، عنایت‌اله شیبانی، رفیع حالتی، دکتر رضازاده شفق، عبدالحسین نوشین، دکتر مهدی نامدار، مادام سپاهی، فضل‌اله بایگان، محسن نصر، علی اصغر گرمسیری، خان ملک ساسانی و معزالدیوان فکری بودند» [اسکویی، ۱۳۷۸: ۳۳۳ و ۳۳۴].

هنرستان در همان سال اول دو دوره فارغ‌التحصیل داشت و سپس دوره‌ی

سوم به سه سال افزایش یافت. برخی از فارغ‌التحصیلان هنرستان، بازیگران مشهور تئاتر و سینما شدند. برنامه‌ی هنرستان بعدها توسط دکتر نامدار با توجه به برنامه‌ی سایر مدارس تئاتر دنیا تغییراتی کرد و با تلاش وی، وزارت فرهنگ امتیازنامه‌ی رسمی «دوره‌ی کامل متوسطه» را به هنرستان داد. «هنرستان نام برده در واقع، چاشنی سخن‌رانی‌های سازمان پرورش افکار بود که حاکمیت لزوم برگزاری آن‌ها را در رابطه با اوضاع سیاسی داخلی و جهانی ضروری می‌دانست» [همان، ص ۳۳۵].

فعالیت هنرستان گامی سترگ در مسیر رشد و تعالی هنر تئاتر در ایران بود و تا تأسیس «هنرکده‌ی آناهیتا» ادامه داشت.

هنرستان کمال‌الملک

به همت اسماعیل آشتیانی (تهران، ۱۲۷۱ - تهران، ۱۳۴۹ ش) نقاش، ادبی، شاگرد برجسته‌ی کمال‌الملک و رییس مدرسه‌ی صنایع مستظرفه، به پاس ارادت و گرامی‌داشت استاد کمال‌الملک، «هنرستان کمال‌الملک» را در ۱۳۱۸ در تهران تأسیس کرد. او اولین، رییس هنرستان بود و به دعوت وی، عده‌ای از هنرمندان هنرهای

تجسمی در آنجا تدریس می‌کردند. از جمله مدرسان مدرسه می‌توان به بهرام عالیوندی (طراحی)، ابراهیم جعفری (نقاشی)، زرین قلم، محمد مقیمی، عباس معیری و علی قهاری (مجسمه‌سازی) اشاره کرد.

پیش از انقلاب، ریاست مدرسه مدتی با داودی (نقاش) و پس از انقلاب با حسین شیخ [احیا] (نقاش) از شاگردان کمال‌الملک بود که تا اواخر عمر، علاوه بر ریاست، به تدریس هنرجویان می‌پرداخت.

دانشکده‌ی هنرهای زیبا

نخستین مدرسه‌ی هنری دولتی در سطح آموزش عالی در ایران است. در سال ۱۳۱۹ شمسی، این دانشکده با ادغام کلاس‌های موجود معماری و نقاشی و مجسمه‌سازی وابسته به وزارت پیشه و هنر، نخست تحت نظارت وزارت فرهنگ در تهران و در محل مدرسه‌ی خان مروی آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۲۱، با استقلال دانشگاه تهران به علل قانونی این دانشکده با نام هنرکده جزو مدارس عالی ضمیمه‌ی دانشگاه تهران به شمار آمد. سرانجام در سال ۱۳۲۸، با تصویب مجلس با نام سابق خود رسماً به عنوان «دانشکده‌ی هنرهای زیبا» آغاز به

موسیقی غربی، بنیان نهاده شد. این هنرستان در شرایطی که هنرستان عالی موسیقی به موسیقی غربی بیشترین اهمیت را می داد و مانع و نافی هرگونه آثار موسیقی ملی و سنتی بود، آغاز به کار کرد.

طی فعالیت ۲۷ ساله ی هنرستان موسیقی ملی بسیاری از سازهای از یادرفته و مهجور موسیقی سنتی ایران توسط اساتید برتر و برجسته موسیقی ملی تدریس شد و این هنرستان سرمنشأ خدمات بسیاری در آتی موسیقی ایرانی شد. اداره ی هنرستان در چند سال به طور ملی بود، ولی پس از چندی زیرنظر اداره ی هنرهای زیبای کشور جزء یکی از واحدهای تابعه ی آن اداره گردید و در

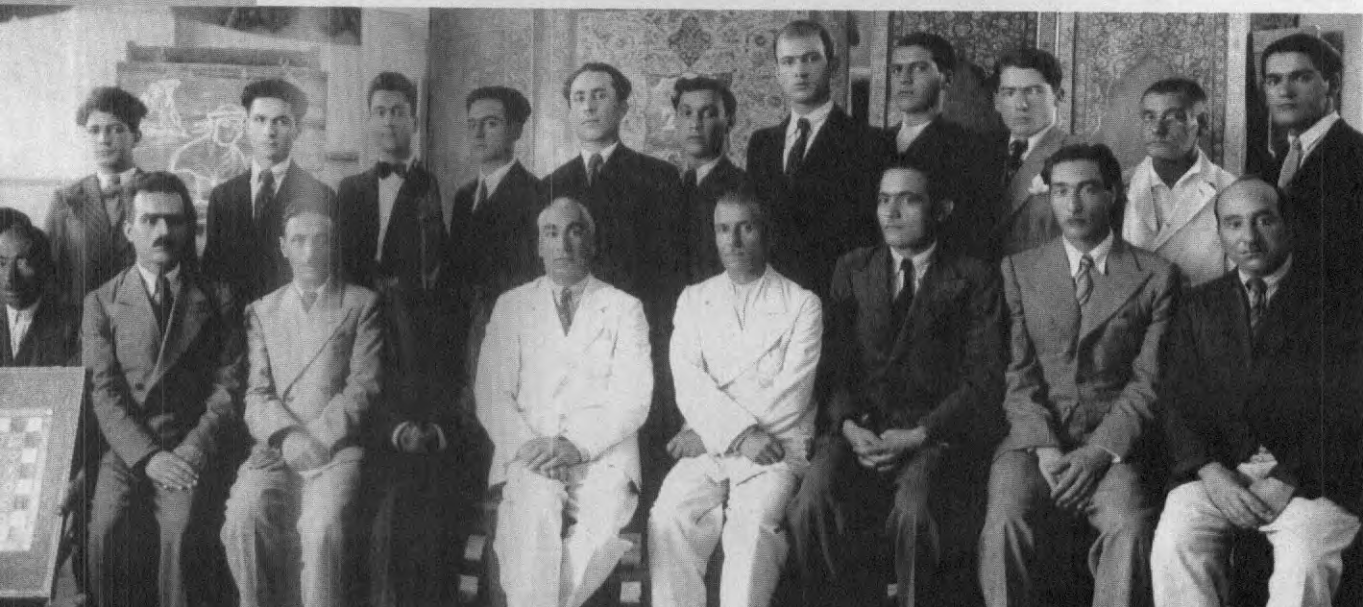
جمع مدرسان اضافه شدند. از اواخر دهه ی ۱۳۴۰، دانشکده با برقراری رشته های شهرسازی و موسیقی و افزودن رشته های گرافیک و طراحی صنعتی به گروه هنرهای تجسمی و تغییر کلی در نظام و برنامه های آموزشی، فعالیت خود را در قالبی نوین ادامه داد [پاکباز، ۱۳۷۹: ۲۱۱ و ۲۱۲].

هنرستان موسیقی ملی

در سال ۱۳۲۸ شمسی، به همت روح اله خالقی، محقق موسیقی و موسیقی دان (کرمان، ۱۲۸۵ ش - اتریش، ۱۳۴۴ ش) «هنرستان موسیقی ملی» برای احیای هنر موسیقی ایرانی و ملی در برابر نفی آن از سوی طرف داران

فعالیت خود را ادامه داد و در محل فعلی مستقر شد.

در ابتدای تأسیس، دانشکده براساس الگوی مدرسه ی هنرهای زیبای پاریس [بوزار]، دارای سه شعبه ی معماری، نقاشی و مجسمه سازی بود. اولین سرپرست دانشکده آندره گدار - معمار و ایران شناس فرانسوی - بود و برخی از شاگردان سابق کمال الملک، چون علی محمد حیدریان، حسنعلی وزیری، ابوالحسن صدیقی، فتح اله عبادی همراه با استادان خارجی چون ژان دوپرول و مارت سلسستین آیو [خانم امین فر] به تدریس در آن پرداختند. بعدها محسن فروغی، هوشنگ سبحون، جواد حمیدی، محمود جوادی پور و دیگران به



جمعی از استادان و هنرستان مدرسه صنایع قدیمه

۱۳۳۸ نام هنرستان به «هنرستان عالی موسیقی ملی» تغییر کرد.

پس از انقلاب اسلامی هنرستان‌های عالی موسیقی و هنرستان عالی موسیقی ملی در ۱۳۶۳ با هم ادغام و تبدیل به «هنرستان سرود و آهنگ‌های انقلابی پسران» و «دبیرستان سرود و آهنگ‌های انقلابی دختران» نامگذاری شدند. در ۱۳۷۶ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی برای فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های موسیقی دختران و پسران دوره‌های کاردانی پیوسته علمی-کاربردی در نظر گرفته شد.

انجمن خوش‌نویسان ایران

مدتی پس از جنگ جهانی دوم که ایران از هر نظر به‌ویژه فرهنگ و هنر صدمه و لطمات فراوان دیده بود، برای نخستین بار در تاریخ خوش‌نویسی، با همت عالی عده‌ای از استادان خوش‌نویس بنام، چون:

سیدحسین میرخانی، سیدحسین میرخانی، علی‌اکبر کاوه، ابراهیم بوذری و بعدها جواد شریفی و تنی چند از دوست‌داران فرهنگ و هنر و استادان هم‌چون دکتر مهدی بیانی، برای احیای خط و خوش‌نویسی و سروسامان دادن به هنرجویان، در سال ۱۳۲۹ هسته‌ی اولیه و مرکزی «انجمن خوش‌نویسان ایران» در کلاس‌های خوش‌نویسی اداره‌ی هنرهای زیبا زیرنظر وزارت آموزش و پرورش و با تعداد معدودی از هنرجویان خوش‌نویسی تشکیل شد و کار خود را آغاز کرد.

در ۱۹ شهریور ۱۳۴۶، به همت استادان خوش‌نویس مورد اشاره به طور رسمی با عنوان «انجمن خوش‌نویسان ایران» فعالیت‌های انجمن آغاز شد و با برنامه‌ها و حرکت‌هایی مؤثر و مثمر در این حوزه، به جلب دوباره‌ی خوش‌نویسان گوشه‌نشین توفیق یافت. در این زمان، با مشارکت عده‌ای از استادان قدیم، کار انجمن وسعت یافت و طی

سال‌های ۵۷-۱۳۴۶ که نقطه‌ی عطفی در تاریخ آموزش هنر خوش‌نویسی در انجمن بود، ۱۱ شعبه در برخی شهرستان‌ها ایجاد شد. مسئولیت انجمن ابتدا برعهده‌ی دکتر مهدی بیانی بود و پس از فوت ایشان، خسرو زعیمی مسئولیت آن را تا پیروزی انقلاب اسلامی برعهده داشت [میرخانی، ۱۳۶۸: ۲۲].

این انجمن در حال حاضر پرتابع‌ترین سازمان هنری خصوصی کشور است که از پس از انقلاب کاملاً مستقل و بدون حمایت‌های دولتی و با حق عضویت اعضا و همراهی استادان بزرگی چون استاد غلامحسین امیرخانی اداره می‌شود [خ. ب، ۱۳۸۵: ۸]. با نگاهی آماری به فعالیت‌های انجمن به این نتیجه می‌رسیم که ۵۰۰ هنرجو پیش از انقلاب، ۱۹ هزار هنرجو تا سال ۱۳۶۸ و در حال حاضر، ۲۰ استاد برتر، ۲۲۰ شعبه‌ی انجمن، ۴۰ هزار هنرجو، ۶ هزار ممتاز و ۲۰۰ متقاضی استادی، رهاورد بیش از پنج دهه حضور ارزشمند و پربار انجمن غیردولتی خوش‌نویسان ایران است.

هنرکده هنرهای تزئینی

اداره‌ی کل هنرهای زیبای تهران در سال ۱۳۴۰ شمسی

هنرکده‌ی هنرهای تزئینی را به قصد تربیت کارشناسانی برجسته در زمینه‌ی هنرهای کاربردی تأسیس کرد. این هنرکده نه تنها امکانی برای ادامه‌ی تحصیل فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها پدید آورد، بلکه با ایجاد رشته‌های جدید، قسمتی از نیازهای آموزشی نسل جدید را پاسخ داد. ده‌ها نقاش و مجسمه‌ساز و طراح نوگرا، زیر نظر استادان ایرانی و خارجی این هنرکده تربیت یافتند که بر تحولات بعدی هنر معاصر تأثیرگذار شدند. تعدادی از اینان به قصد هویت بخشیدن به آثار خویش، از هنرهای سنتی مایه گرفته (و از همان زمان با عنوان «مکتب سقاخانه» شناخته شدند). عده‌ای دیگر، شتابان به جدیدترین پدیده‌های غربی روی آوردند تا با تحولات هنر جهانی هم گام شوند.

برخی از هنرآموزگان دانشکده‌ی هنرهای زیبا نیز به این دو جریان پیوستند. به این ترتیب، حرکتی فراگیر و بی سابقه در همه‌ی عرصه‌های هنرهای بصری آغاز شد [پاکباز، ۱۳۷۹: ۸۹۳]. نام هنرکده چندی بعد به دانشکده‌ی هنرهای تزئینی و پس از انقلاب اسلامی به مجتمع دانشگاهی هنر و سپس به دانشگاه هنر تغییر یافت.

زیرنویس

1. LITHOGRAPHY

۲. در ۱۳۲۹ ق، به پیشنهاد ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، وزیر فرهنگ وقت، لایحه‌ای از مجلس گذشت که به موجب آن، شش هزار مترمربع از اراضی نگارستان و مبلغ هفت هزار تومان، برای متخارج مدرسه‌ی صنایع مستظرفه به نام کمال‌الملک صادر شد. ر.ک: حسینی، ۱۳۶۳: ۷۲.

3. CONSERVATOIR D'ART DRAMATIQUE

منابع

۱. آشتیانی، اسماعیل. «شرح حال و تاریخ حیات کمال‌الملک». هنر و مردم. شماره‌ی ۷. اردیبهشت ۱۳۴۲.
۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه‌ی دهخدا (دوره‌ی جدید). انتشارات روزنه. تهران، چاپ دوم.
۳. حسینی، سیدمهدی (۱۳۸۰). کارگاه هنر (۲). انتشارات مدرسه. تهران، چاپ اول.
۴. ———. کمال‌الملک. جوانه. شماره‌ی ۴. بهار ۱۳۶۳.
۵. پاکباز، روئین (۱۳۷۹). دایرة‌المعارف هنر. نشر فرهنگ معاصر. تهران، چاپ دوم.
۶. ———. «تاریخچه‌ی تأسیس و فعالیت هنرستان‌های هنری در ایران». آموزش هنر (نشریه‌ی داخلی مرکز گسترش آموزش‌های هنری). شماره‌ی ۳. آبان ۱۳۸۲.
۷. مهرپویا، جمشید «مینیاتور، هنری سنتی از ایران» موزه‌ها، شماره‌ی ۷ (اسفند ۱۳۶۵) ص ۲۹.
۸. نژد، محمد (۱۳۵۷). فرهنگ‌نامه‌ی جهان دانش (فرهنگ دانستی‌ها). انتشارات بنیاد. تهران، چاپ دوم.
۹. اسکویی، مصطفی

- (۱۳۷۸). سیری در تاریخ تناثر ایران. انتشارات آناهیتا اسکویی. تهران، چاپ اول.
۱۰. امیرخانی، غلامحسین. «گفت‌وگو با استاد غلامحسین امیرخانی». سیمرغ. شماره‌ی ۱. بهمن ۱۳۶۸.
۱۱. خ. ب. «درباره‌ی انجمن خوش‌نویسان ایران». آینه. شماره‌ی ۵۸۴. سه‌شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۵.
۱۲. احمدی، احمدرضا. «مدرسه‌ی موسیقی، مدرسه‌ی (موسیقار: نبرد ورقابت بر سر موسیقی ملی و کلاسیک». لوح. شماره‌ی ۱۴. اسفند ۱۳۸۱.
۱۳. افتخاری، سیدمحمود. «یادگار هنر: استاد هادی تجویدی، نخستین معلم مینیاتور». فصل‌نامه‌ی هنر. شماره‌ی ۲۳. پاییز ۱۳۷۲.
۱۴. دانش، محمدهادی. «ابوالحسن‌خان غفاری، پدر گرافیک ایران». کتاب ماه هنر (ویژه‌ی گرافیک). شماره‌ی ۳۷ و ۳۸. مهر و آبان ۱۳۸۰.
۱۵. نصر، کریم. «پارادوکس آموزش هنر در ایران». کتاب ماه هنر (ویژه‌ی گرافیک). شماره‌ی ۳۸ و ۳۷. مهر و آبان ۱۳۸۰.
۱۶. شه‌میر نوری، آزاده. «اولین هنری که صاحب مدرسه شد». یاس نو. ۹ دی‌ماه ۱۳۸۲.
۱۷. قبادیان، وحید. «مدرسه‌ی دارالفنون اولین نماد تجدد در معماری تهران». روزنامه‌ی انتخاب. ۱۴ اسفند ماه ۱۳۷۹.
۱۸. هراتی، محمدمهدی. «آموزش هنرهای تجسمی در ایران». رشد آموزش هنر. شماره‌ی ۱. پاییز ۱۳۸۱.
۱۹. ———. «آشتیانی». هنر و مردم. شماره‌ی ۹۴. مرداد ۱۳۴۹.
۲۰. ———. «بنیان‌گذار اولین هنرستان نقاشی در ایران». کیهان هوایی. ۲۱ آبان ۱۳۸۰.

رشد آموزش هنر
دوره پنجم / شماره دو
زمستان ۱۳۸۶